

### متن پرسش

سلام و وقت بخیر: از وقتی که جریان کشف حجاب ها شروع شده، با دیدن فیلم هایی از بانوان آمر به معروف که امر به معروف های موفق داشته و با دیدن اوضاع بد حجاب ها، خصوصا بعد از سفری که به تهران داشتم، تصمیم گرفتم که دوره های مجازی آموزش امر به معروف و نهی از منکر استاد علی تقوی را شرکت کنم. بعد از شنیدن احکام متوجه شدم که تا می شود مومنین باید بین ضرر سکوت در برابر گناه و تذکر، خودشان قضاوت کنند و در جاهایی که زیان سکوت بیشتر بود، با پذیرفتن آثار تذکر (دعوا و...) تذکر دهند. ولی خودم بعد از دیدن مناسب بودن اوضاع تذکر می دادم. این چند ماه با دیدن کشف حجاب ها، وقتی که نمی توانستم امر به معروف کنم، آنقدر حرص می خوردم و عذاب وجدان می گرفتم که استرس می گرفتم و دهانم خشک می شد، کف دستم عرق می کرد و این موضوع را متاسفانه با خانواده نمی توانستم در میان بگذارم، چون آنان بعد از دیدن فیلم هایی از کتک خوردن آمران به معروف، با این موضوع در این شرایط و زمان مخالف هستن بنده با یکی از اساتید معارف صحبت کردم، ایشان گفتن در زمان هایی که مشاهده کردی فرصت مناسبی نیست، تقیه کن. اما دکتر تقوی در کانالش یک فیلم گذاشته بود که تقیه برای الان نیست. خلاصه که این نگرانی ها و استرس ها زندگی شخصی من را تحت الشعاع قرار داده و بنده هر وقت نیت می کنم یا در ذهنم در حال برنامه ریزی برای بیرون رفتن هستم، با خودم می گویم نکنند، شرایط تمام بانوان کشف حجاب کرده به گونه ای است که نمی توانم امر به معروف کنم. از بیرون رفتن استرس دارم، دهانم خشک می شود، کف دستانم عرق می کند. با خودم می گویم نکنند خداوند از اینکه من یک جاهایی می ترسم و امر به معروف نمی کنم، از دست من ناراحت می شود. بعد می گویم نه خداوند مهربان است، از طرفی می گویم ولی خداوند عادل هم هست. ماجرا به اینجا ختم نمی شود، در دانشگاه با شنیدن مطالبی از دانشجویان یا حتی بعضی از اساتید که ابراز ناامیدی از عملکرد دولت و نظام می کنند، مدام صحبت حضرت آقا در ذهنم مرور می شود که جهاد تبیین فریضه ای قطعی و فوری است و من در این مورد چون مجهز به علم و ابتکار عمل کافی نیستم، در مواقعی سکوت می کنم. و این سکوت و بی سوادگی من را عذاب می دهد. وجدانم مدام در حال آلارم است. با اینکه مطالبی در کانال های متعدد مربوط به جهاد تبیین را دنبال می کنم اما ... وقتی سیر پیشرفت کفر را در بین نوجوانان می بینم و... حرص می خورم و در پیشگاه حضرت حق و امام زمانم (عج) شرمسارم. براستی من چکار کنم که از شر این ترس خلاص شوم؟ چکار کنم که توکلم به خداوند زیاد شود. مادرم می گوید: کسی که استرس دارد یعنی ایمانش کم است. چکار کنم که ایمانم زیاد شود. آیا باید نترسم

و تا می شود امر به معروف کنم؟ یک چیز را بگویم. من از شهادت نمی ترسم البته دوست ندارم در این چند سال شهید شوم دوست دارم در عرصه ی علم و دانش پیشرفت کنم و در راه علم و خدمت به اسلام شهید شوم ولی از شهادت در هنگام امر به معروف خیلی خوشم نمی آید. از جانباز شدن هم خوشم نمی آید چون می ترسم. شاید بخندید و بگویید عجب بنده ی لوس و پرتوقعی. مگر رستوران است که انتخاب می کنی که چه می خواهم و چه نمی خواهم! اما نمی دانم چرا، اما اینگونه می خواهم، دست خودم نیست، نمی دانم خدا در مورد من و این تفکراتم چه می گوید. اگر افکارم و اعمالم اشتباه است، بگویید. التماس دعا

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این مورد خوب است به سؤال و جواب شماره ۳۵۷۴۴ رجوع فرمایید. زیرا موضوع، بسیار گسترده تر از آن است که با آگاهی های دیروزین خود نسبت به امر به معروف و شرايطی که در گذشته داشته ایم؛ در امروز وارد شویم. و از سخنان حاج آقا فرهاد فتحی هم که لینک آن در آن سؤال آمده، غفلت نشود. و نیز سخنان حاج آقا محبی میدان تفکر در این موضوع را در مقابل ما می گشاید. <https://eitaa.com/jedaaltv/۹۹۳> موفق باشید